

زنده بشرط اطاعت از یک نفر؟

از: حسن مساوات

دنیای عجیبی است؛ یکسوی آن آقای معمر قذافی به صندلی قدرت چسبیده و میگوید از جایم تکان نمی خورم زیرا این کشور و مردم آن مال من هستند و همه زنده اند فقط برای من و همه آنها (یعنی ملت لیبی) عاشق من هستند. جای دیگری نه چندان دور بشار اسد ارث بابایش را دو دستی چسبید و هرسوریه ای که او را نمیخواهد و اعتراض کند را میکشد و گمانش بر اینست که سوریه با تمام جمعیت چند رنگ و جند زبان و چند مذهبش باو تعلق دارند و اگر نمیخواهند باید یکی دو گلوله چاشنی آنها بشود تا بدانند که همه افراد برای او هستند.

آن یکی علی عبدالله صالح؛ در یمن همین فکر را میکند و گمان میکند که اگر او نباشد یمن را کوسه های دریا خواهند خورد و همه آن مردم بد بخت که از قضای طبیعت در آن گوشه عالم از مادری یمنی دنیا آمده اند برای او ویزای زندگی بشرط اطاعت از عبدالله صالح دریافت کرده اند و اگر نمیخواهند بهتر است بمیرند و چنین است قصه در کشورهای مسلمان و یا شبه مسلمان و دیکتاتوری دیگر جهان.

ویزای زندگی ما در ایران برای اطاعت از آریا مهر صادر شده بود و ناگهان خداوند مقرر نمود که برای زندگی باید از خمینی اطاعت و پیروی کنیم و در مدتی اندک عکس های آریا مهر برداشته شده و عکس های خمینی در قطع بزرگتر و تعداد بیشتر بر دیوارها ظاهر شد و مدتی بعد عکس تازی نژادی دیگر یعنی خامنه ای مد روز و بت پرستیدنی شده تا کی نوبت برسد و نفر بعدی بیاید. همه ایرانیان باید زندگی کنند بشرط اطاعت از یک نفر و اوست عاری از خطا و چنین است رسم دیکتاتوری.

در این میان ما که اولین ملتی بودیم (محکوم به اسلام و قوانین آخوند ها) که سر برداشتیم و نخواستیم برای یک نفر زندگی کنیم و درخواست دموکراسی کردیم و با فدا کاری هم میهنانمان و قربانی دادن ها و سختی های فراوان پارلمان تشکیل دادیم؛ از بد روز گار و خود خواهی سرکردگانمان همه را از دست دادیم و امروز از همه ملت های "**زنده بشرط اطاعت از یک نفر**" بد بخت تریم زیرا یک نفری که گمان میکند ما همه برای او خلق شده ایم، یک روضه خوان یک لا قبای بیسواد و بی اصل و نسب تازی نژاد است که ناگهان کوسه ای خودشانی کبوتر اقبال را پر داد و روی سر او نشاند و همه ما شدیم برده او و با حکم صادر نشده خداوند و امضای امام دنیا ندیده و خیالی که مکان در چاهی دارد که معلوم نیست آن چاه در سامره است یا جمکران و یا مانند قنات از زیر از سامره تا جمکران بهم ارتباط دارد به حکمرانی نه که بخدائی پرداخته است. دیکتاتور ما که یک و نیم دست و یک چهارم عقل بیشتر ندارد از سایر دیکتاتورهای زمانه ادعایش بیشتر و داد و فریادش بلند تر است و نه تنها وجود همه کس و همه چیز را برای خاطر خود میبندد که آنها را ملک طلق و تیول خود فرض میکند و قدرت آن بخود داده که زنان را برشوهرانشان حرام و اموال افراد را رسماً و بنام خداوند از آنها گرفته و حتی حق حیات هرکس را که خوشش نیاید از او بگیرد. او حتی یواشکی با گرفتن امضائی از خداوند قاسم الجبارین آقا پسر خود را که در خصوصیات انسانی تالی خود اوست جانشین خود معین نموده است.

این مالک الرقاب و صاحب اختیار همه ایرانیان و وارث فاتحان قادیسیه که ما را کشتند و اموال ما را بردند و مردانمان را نابود کردند و زنان و دخترانمان را مورد تجاوز قرار دادند و آنها را در بازار مدینه فروختند و ما را گبران نجس نام نهادند و سعی کردند زبان و فرهنگ ما را از ما بگیرند و از اینکه غیرت ایرانی نگذاشت مانند مصر ما را هم عرب زبان کنند رنج میبرند؛ پا را حتی از پیش کسوت و سلف خود خمینی جلا دروغگو و فریبکار فراتر گذارده و اینک با کمک مجامله گران عربده کش و جیره خوارش خود را بدرجات الوهیت سوق میدهد و هر روز ادعای جدیدی مطرح میکند و این فرد و حکومت او مشکلاتی هستند برای ملت ایران که با خردمندی و قبول خطر ما باید آنرا حل کنیم.

مدتی کوتاه قبل از این در یکی از مقالات نوشتم که اگر ما هیچ کاری با این رژیم نداشته باشیم و آنرا بحال خود بگذاریم، بخاطر بی اساس بودن و بی پایه بودن رژیم؛ با گذشت زمان اینها از درون منفجر شده و نابود خواهند شد، و حوادث جاری نشانهای این سونامی نابود کننده ولایت و قبیح و دار و دسته خامنه ای و باند دزد و جنایتکار او را بخوبی نشان میدهد. اما لازم است که ما از این حالت خمودگی ناشی از ترس که ملت را در خود گرفته بیرون آئیم و بدانیم که با گرفتن حالت انفعالی و در انتظار سقوط طبیعی رژیم نشستن ما را بسر منزل مقصود که مالکیت بر سر نوشت خود و رسیدن به آزادی است نخواهد رساند.

زیرا اولین پروسه سقوط طبیعی رژیم که یک انفجار غیر کنترل شده است خسارات جانبی بیشتری تولید میکند و جنایتکاران در لحظات آخر ممکن است دست به کارهای مخاطره آمیزی بزنند که ضایعات آن برای ما بیشتر باشد و بعلاوه سقوط رژیم بر اثر سیر طبیعی انفجار یک سیستم غیر متعادل ممکن است زمان بیشتری را صرف کند و با در نظر گرفتن این حقیقت که هر لحظه

ایکه این جانپان بر سر قدرت باشنډ بر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این مملکت لطمات بیشتر وارد شده و ایجاد تفرقه بین ملت بزرگ ایران گسترش مییابد؛ انفعال ما مطلقن بمصلحت نیست و ما باید با قبول مخاطرات به صحنه بیائیم و وظیفه نجات کشور را بدرستی ایفا نمائیم.

یادمان باشد که این کشور متعلق به همه ماست و نه متعلق به یک دیکتاتور خواه اسم آن دیکتاتور نماینده خدا باشد و یا سایه او و تنها ما بصورت جمعی و از راههای دموکراتیک و با آرای مساوی همه مردم از زن و مرد و کرد و لر و فارس و بلوچ و ترک و همه و همه حق اداره آنرا داریم و برای اداره آن باید در جریان امور کشور باشیم و اگر انفجاری باید تا کاخ جنایتکاران غاصب را تخریب کند باید خود ما ایرانیان آنرا کنترل نمائیم تا فردا که کشورمان را تصاحب کردیم بتوانیم آنرا اداره و آباد کنیم.

از آین گذشته بسیارند کمین کردگان فرصت طلب و مکاران مذهبی و غیر مذهبی و ایدئولوگ های پیرو کتابهای خود که در صد آنند تا این رژیم برود و تلاش کنند که آب رفته را بجوی باز گردانند و یا جویبار های تازه ای درست کنند و آب را در مسیری برانند که منافع گروهی یا شخصی در آن دارند. و هستند مدعیان تختلف که از هم اکنون مقامات کشور را حتی تا حد استانداری بین خود تقسیم کرده اند و هنوز قاچ زین را ناگرفته تمرین تاخت و تاز میکنند.

مطلب دیگری که همواره در نوشته های خود سعی کردم آنرا منعکس نمایم خطر احمدی نژاد برای دوست و دشمن و مقایسه این عقب مانده جهانی است با هیتلر که وجود او برای هیچکس مفید نبود و این یهودی تازه مسلمان نیز برای هیچکس مفید فایده ای نبوده و نیست و نخواهد بود. احمدی نژاد موجودی است که دوست و دشمن و خودی و بیگانه از وجودش لطمه خواهند دید و آنها که در حال استفاده از او هستند بدانند که او به مقتضای طبیعتش روزی تیر خلاص را بآنها هم شلیک خواهد کرد. همه ما دیدیم که با رفسنجانی؛ کوسه دربار خمینی رانل که او را از یک پاسدار تیر خلاص زن به شهرداری تهران و داعیه دار ریاست جمهوری رساند چه کرد و حال هم میبینیم که با اهریمن بزرگ تازی نژاد خامنه ای در افتاده و با اسنادی که از کثافتکاریهای بت اعظم و آقا مجتبی دارد تازی نژاد خامنه ای در مانده و ناتوان شده و نمیداند چه خاکی بسر بریزد و شکافی که یک طرف آن آخوندها و طرف دیگرش دزدان سپاه و طرف سومش دزدان باند احمدی نژاد و طرف های دیگرش هریک در گوشه ای از مملکت در حال تخریب ایران ما و چپاول اموال نیازمندان کشورند چه معجون نا متناسبی فراهم شده و در این میان رفسنجانی که خود مکار محلی است که سالها همه این جنایتکاران را سر پرستی میکرد، اینک خود کیش و مات و سرگردان مانده است که چه کند و این شکاف دارد همه را در خود میبلعد و ما ملت هم که گوشه گیری کرده ایم تا سرکوبگرانمان در سوریه تجربه های جدید سرکوب ابداع کنند و بسراغ ما بیایند.

پس از نمایشنامه یا حسین میر حسین که از اول تا آخرش در بیت رهبری نوشته و کار گردانی شده بود و با حمایت کشورهای دوست شرقی و غربی اجرا شد و با خانه نشین کردن میر حسین و کروی بی باتمام رسید و بنظر میرسد که شجاعان ما هنوز منتظر اطلاعیه میر حسین هستند که معتقد به جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر بوده و هست و لاجرم دیگر تمام اعتراضات تمام شد و در این میان قهرمانان جوان ما کشته شدند و یا اسیر گردیدند و تحت شکنجه اند و نه از نام سهرابها میشنویم و نه نداها و نه اسانلو را یادمان میآید و نه بهروز جاوید تهرانی را و نه میدانیم که آنها چگونه مورد مهر و محبت شکنجه گران رهبر فرزانه ما قرار دارند. شاید هم عده ای منتظر معجزه اصلاح طلبان در نجات مملکت هستند. البته اصلاح طلبان اوین دیده و طعم دوستی با جادوگران وحشی آنرا چشیده و برای سلامتی وزن کم کرده و شاید هم تواب سازی شده که اینک میدانند چه باید بگویند و چه بشنوند و وب نوشتشان را هم دوستان اوینی مینویسند و یا حد اقل کمکشان میکنند.

بنظر میرسد که جنگ خامنه ای احمدی نژاد دارد اوج میگیرد و جبهه سپاه روحانیت (چه روحانیت بی روحی) دارد خود را عیان میکند و فرصت است تا بار دیگر صدای فریادمان را به آسمان برسائیم. خبرهای اختلافات درون سپاه حتی در رده های بالا را همه شنیده ایدو باور کنید ای هم میهنان که در میان سپاه پاسداران هم افراد دارای شرف و وجدان که حاضر نیستند تن بهر خفتی بدهند و از بباد رفتن کشور در عذاب هستند کم نیستند و آنها بهنگام بکمک میآیند و حتی در بین بسیجی ممکن است افراد شریف یافت شود و روزی از صف اهریمن جدا شده و به یزدانیان ملحق گردند.

اما کس نخارد پشت ما جز ناخن انگشت ما

ملت ایران، اسلام آخوندی را (موسوم به ناب محمدی) دیدید. آب و برق مجانی و اتوبوس مجانی را هم که بدست آوردید. انتخابات هم بشما داده شد که نمایندگان را برای آسانی کار شما خودشان انتصاب میکنند و مجلس شورا هم دارید که البته چون

ملی کلمه انحرافی است مجلسی که برایتان درست میکنند اسلامی است و بجای شور و غور در امور مملکت و آبادانی کشور و رفاه مردم نمایندگان آن در صحن مجلس حرکت میکنند و شعار مرگ بر فلان و اعدام باید گردد میدهند و قضاوت عادلانه راه که در همه امور میبینید و اگر دریاچه های ما خشک و جنگلهای ما جهت احداث آپارتمان بساز و بفروش توسط از ما بهتران دچار آتش سوزی های صد در صد طبیعی میشود و اگر بخاطر فراموشی شما در خواندن نماز باران؛ خشکی سراسر کشور را تهدید میکندو اگر بخاطر عدم رعایت حجاب توسط زنان ما چاه های نفتمان از درجه اقتصادی برای اکتشاف نفت افتاده است و یا زلزله میآید.

اگر کشور مسلمان و بزرگ قطر از حوزه های مشترک ما بصورت چپاولگرانه استخراج میکند و ما هیچ نصیبی نمیریم و اگر کشور دوست و همراه ما در مصائب یعنی فدراسیون روسیه برای ایجاد یک فاجعه چرنوبیل دوم در بوشهر در ساختمانی که گنبد محافظ آن دارای ترک خوردگی است مارا هر روز سر کیسه میکند که راکتور داشته باشیم زیرا بجای "انرژی آزادی" که بآن احتیاج داریم "انرژی هسته ای" که هیچ نیازی بآن نداریم را حق مسلم ما میخوانند.

بیانید بجای آنکه اهریمنان را مسئول بد بختی های خودمان بدانیم، گناه را بگردن خود بگیریم که ما عرضه نداشتیم این اهریمنان را از خانه خود بیرون کنیم و در مقابل رجاله ها تسلیم شدیم و بیشتر از ترس جهنم و آز بهشت و باور بخرافات و کوچک شمردن خداوند بود که آخوندهای نادان را نماینده و سخن گوی آن خداوندی دانستیم، که کائنات را بزرگی ۲۳ هزار میلیون سال نوری خلق کرده و نمایندگانش نمیدانند که خورشید شبها در چشمه لجن فرو نمیرود، بلکه زمین کروی است، که بدور خورشید میگردد و در چشم ما خورشید بنظر متحرک میآید.

اینک کشور مسلمان چین کمونیست برای ما جانماز و آفتابه میسازد و میفروشد و شرکاء تجاری دیگر ما کره شمالی است که ما برای آزمایش موشک هایش آنها را میخریم و رنگ میکنیم و نتایج آزمایش را بآنها میدهیم. و جنین است و نوزاد و بلیوی که اولی برای کمک بنزین را لیتری ۲۰ سنت از قیمت بین المللی بما گران تر فروخت و البته هزینه ده دوازده هزار کیلومتر حمل و نقل اضافی آنرا به حساب خیرات و مبرات میتوان منظور کرد.

اگر فرهنگ ما در حال نابودی است (لینک زیر) و بما میگویند وقتی وارد قبرستان میشویم روح پدرمان به مرده های دیگر پز میدهد که این پسر من است و وارد شده و وقتی میخواهیم از قبرستان بیایم بیرون بما میگوید یه خورده دیگر بنشین من دلم تنگ میشود تا با این مزخرفات روحیه مرده پرستی و باور به خرافات زائیده ملا محمد باقر مجلسی و شیخ عباس قمی و این ابلهان را باور بداریم به سکوت خود و سر افکنگی تحمل این رژیم ادامه دهید و باشید تا صبح دولتتان بدمد.

http://www.youtube.com/watch?v=kk_ofELW90Y&feature=player_embedded

این مردک که میگوید مرده از دیدار فرزندی که بقبرستان آمده خوشحال میشود و از او میخواهد که "یه خرده دیگه بشین" و بمردگان دیگر پز هم میدهد که این پسر من است!!! (البته مرده بدخترش پز نمیدهد زیرا در قاموس آخوند زن و دختر بحساب نمیآیند).

آخوندک قدرت تحلیل این را ندارد که مرده اگر دلی داشت که تنگ میشد، پس از مرگ فرزندان که هزاران و بلکه میلیونها سال زیر خاک بدون ملاقاتی میماند چه بحال و روز دلش خواهد آمد و بچه چیز پیش مردگان دیگر پز خواهد داد. لایه مرده دق مرگ میشود ای آخوند عقلمت کجاست و آیا میدانی خرد چیست. آری تو میدانی که چه میکنی و بیچاره ملتی که نمیدانند تو مشغول چه توطئه ای بر علیه جامعه ای.

وای اگر از پس امروز بود فردائی؟

امروز روز رستاخیز ملیون ایرانی است و وقتی است که همه ما ملی گرا باشیمو ببینید که چگونه اهریمنان از ملی گرایی بدشان میآید زیرا میدانند تنها راه نابودی آنان و جلوگیری از غرق شدن همه ما (ایرانیان غرق شدن همه ما) در همبستگی ما بدور از هر نوع قومیت و اتحاد بر مبنای ایرانیست است.

و امروز روز بیداری است و خشم بر رژیمی که در اوج ضعف و بدبختی قرار گرفته است و رئیس جمهور تقلبی آن بر کسی که با حمایت او و بدون رأی ملت رئیس جمهور شده یعنی بر رهبرش قیام کرده، شاید این مورد را برای حفظ منافعشان بنحوی و بطور موقت حل کنند، اما این کار هم اگر بشود تضادشان را از میان نخواهد برد. لاری جانیهها و رفسنجانی ها و احمدی نژادها و سپاهیان و اصلاح طلبان و ملایان ریز و درشت با افکار دوران سنگی و جیب هائی گشادتر از خزائن چند کشور هرگز آیشان در یک جوی که هیچ در یک رودخانه نخواهد رفت زیرا اتفاق در امور شرافتمندانه مانند حفظ منافع ملی و حمایت از مردم

محروم کشور ممکن است امکان پذیر باشد؛ اما اتفاق در مورد تاراج و تخریب مملکت و منافع شخصی و راه فرار برای روز مبادا ممکن نمیشود؛ زیرا طمع ثرائن و غارتگران حدی ندارد که در آن بتوان بتوافق رسید. این رژیم دارد خودش خودش را نابود میکند و برعهده و وظیفه ماست که با نابودی آنان اراده کشور را در دست بگیریم و بار دیگر نگذاریم از ترس مار در دهان اژدهائی بزرگتر وارد شویم.

در گوش ما خوانده اند که کشورهای پیشرفته از طریق چپاول کشورهای عقب مانده به عظمت و آبادانی رسیده اند؛ باری اگر چنین چیزی درست باشد تنها در صد کوچکی از ثروت و ساختار آنان از این راه تأمین شده است و بیشتر آنچه دارند از کار و کوشش و وطن دوستی و برای کشور زحمت کشیدن چنین شده است و ما تا زمانی که بر پای خود استوار نشویم و به اعتماد بنفس و بی نیازی فکری دست نیابیم و تا زمانی که کار را فقط برای اداره امور زندگی شخصی و تمام شدن روز و گرفتن مزد بکنیم وضعی بهتر نخواهیم داشت.

لازم است همه بدانیم که برای سربلندی خود و پیشرفت کشوری که بما تعلق دارد تنها راه تلاش با مسئولیت همگانی و با خرد جمعی است. ونخستین گام برای رسیدن باین درجه از پیشرفت فکری آزادی از دست دیکتاتوری از هر نوع آن و نگهداری از آن آزادی و مهر به میهن و هم میهنان است. همچنین لازم است مرز دموکراسی با هرج و مرج را بشناسیم و آماده قبول نظرات مخالف خود در صورتی که مستدل باشد باشیم ودانستن نحوه بحث است بجای مجادله.

ما باید از دست هر نوع ایدئولوژی عمومی و اسارت و تعلق به یک کتاب رها شویم و فریب مبارزه دروغین اصلاح طلبان اسلامی را نخوریم. با خرد جمعی میتوان مسائل را حل کرد و راه حل گذشتگان در زمانهای گذشته و ساختار های تغییر یافته و جوامع دیگر الزامن قابل تطبیق با ایران قرن بیست و یکم نخواهد بود.

مبارزه ما بهائی سنگین طلب میکند ولی باور کنید که بهائی که ما در تسلیم میپردازیم بیشتر است. ما کشته گانمان در مبارزات خیابانی کمتر بوده اند و کمتر خواهند بود از آنها که در بالای دار جان باختند و بسیاری از آنان را بنام جنایتکار و یا قاچاقچی بشهادت رساندند و شماری زیاد بدون نام در زندانهای مشهد و غیره بیخبر از ما گرفته شدند و نامی از آنها نداریم تا حد اقل در دلمان نقش بندد و یادشان گرامی داشته شود.

ما هفتاد و چند میلیون ایرانی چرا باید برای یک نفر زندگی کنیم حتی اگر آن یک نفر عاقل و قابل و مدیر باشد تا خاطر او آزرده نشود؛ آنها یک نفری که برای این جامعه و کشور هیچ کاری نکرده و هیچ افتخاری کسب ننموده و از اول عمرش با پول خیرات و سادات زندگی کرده و روضه خوانده که مردم برای شهدای کربلا گریه کنند و از نشاط و خرد تهی گردند و از کار کردن گریزان شوند.

حسنى مبارک یک خلبان ارتش مصر و یکی از قهرمانان جنگ با دشمنان مصر بود که بارها جانبازی کرده است اما وقتی بقدرت رسید دزدی و جنایت کرد و علیرغم سابقه اش ملت مصر که مالکان اصلی کشور بودند او را بیرون انداختند. تازی نژاد خامنه ای برای ایران چه کرده؟ چرا همه افراد ملت باید برده و فرمان بر او باشند؟

ای ایرانی سرفراز؛ بجای دوستی مردگان و فریب ملایان هم میهنان خود را دوست بدارید و دست اتحاد بر مبنای ملیت ایرانی بدهید و از هر قبیله و زبان و رنک و مذهب و مرام و باوری که هستید با هم بر علیه آنچه بر ما ظلم میکند مشت خود را فرود آورید.

هیچکس از مبارزان این کشور که خرد گرا باشد در صدد جلوگیری از نیایش شما با دینی که دارید نیست، ما فقط میخواهیم دین امری خصوصی باشد بین افراد و خدای افراد و نه آنکه همگان مجبور باشند از دین حکومتی و اجباری پیروی کنند و کسانی که دینی غیر از دین حکومتی دارد مورد ظلم باشند.

دموکراسی تنها راه پیروزی و بهروزی است و عدالت فقط در سایه آن و مسئولیت پذیری همگان و خردگرایی امکان پذیر است.

ما زنده بشرط اطاعت از یک نفر نیستیم و آن یک نفر است که باید زنده بشرط خدمت بما باشد

حسن مساوات (حجت)

hojjat@northlondonacademy.com